

مقاله پژوهشی

وقتی پرداخت خراج نشانه حکومت نیست:

شوش آغازیلامی و منطق پرداخت در یک اقتصاد غیر متمرکز

روح اله یوسفی زشک^۱، خلیل الله بیک محمدی^۲، دنیا اعتمادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۶

چکیده

گل‌نشته‌های آغازیلامی شوش معمولاً در قالب شواهدی از یک نظام اداری متمرکز و حکومت محور تفسیر شده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر متون پرداخت خراج، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تمرکز مشاهده شده در ساختار ثبت این گل‌نشته‌ها الزاماً به وجود بوروکراسی حکومتی و نظام خراج‌گیری متمرکز دلالت دارد، یا می‌توان آنرا حاصل سازوکارهای تنظیم اقتصادی در چارچوب شبکه‌ای پیش‌حکومتی دانست؛ به‌طور مشخص، این پرسش مطرح می‌شود که، منطق ثبت پرداخت‌ها در گل‌نشته‌های آغازیلامی چگونه سازمان‌یافته و آیا تفاوت ماهیت کالاهای پرداختی به تفاوت در منطق اقتصادی می‌انجامد یا صرفاً تفاوتی عملیاتی در شیوه‌ی ثبت ایجاد می‌کند. روش‌شناسی پژوهش بر تحلیل محتوایی دقیق دو گل‌نشته شاخص از شوش، MDP26: 118 و MDP06: 353، استوار و شامل بازخوانی نشانه‌ها، بررسی واحدهای شمارشی، تحلیل ساختار تیرها و ردیف‌های حسابداری، و تطبیق میان ثبت محصولات کشاورزی ذخیره‌پذیر و پرداخت‌های دامی غیرقابل ذخیره است. این تحلیل با رویکردی ساختاری-تطبیقی انجام شده و از پیش‌فرض‌های حکومت‌محور در تفسیر داده‌ها فاصله می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که هر دو متن از منطق ثبت ماژولار و فرده‌فرد پیروی می‌کنند و تمرکز موجود در گل‌نشته‌ها بیشتر به حوزه‌ی ثبت، تسویه و حسابرسی محدود است تا تمرکز نهادی یا سیاسی. تفاوت میان ثبت غلات و دام زنده به تفاوت در شیوه‌های عملیاتی حسابداری انجامیده است، نه به دو نظام اقتصادی مجزا. براین‌اساس، گل‌نشته‌های آغازیلامی شوش بازتاب نوعی اقتصاد سیال و شبکه‌ای هستند که در آن واحدهای اقتصادی مستقل از طریق گره‌های کارکردی و ثبت‌های موقتی به یکدیگر متصل می‌شوند. این نتیجه‌گیری امکان بازخوانی اقتصاد شوش آغازیلامی را در چارچوبی غیرحکومت‌محور و پیش‌حکومتی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: گل‌نشته‌های آغازیلامی، شوش، حسابداری پیشادولتی، اقتصاد سیال و ماژولار، پرداخت خراج، شبکه‌های اقتصادی.

۱ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).
k.beikmohammadi@umz.ac.ir

۳ دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

شوش در دورهٔ آغازایلامی همواره در کانون مباحث مربوط به خاستگاه‌های سازمان‌یافتگی اقتصادی و سیاسی در فلات ایران قرار داشته است (de Morgan, 1900: 138; Scheil 1900; 1905; Dahl *et al.*, 2013). موقعیت جغرافیایی خاص این محوطه، در آستانهٔ پیوند دشت‌های خوزستان با مسیرهای کوهستانی زاگرس، آن را به نقطه‌ای کلیدی در شبکه‌های ارتباطی، تجاری و جابه‌جایی فصلی جمعیت‌ها بدل کرده است (Le Brun 2019: 102; Dittmann, 1986). با این‌حال، ماهیت این استقرار، آیا شوش یک شهر سازمان یافته با ساختار اداری متمرکز بوده یا بیشتر به مثابه یک گره تجاری و تنظیمی در یک نظام اقتصادی سیال عمل می‌کرده است، هم‌چنان محل مناقشه است (Alden, 1987; Dittmann, 1986). بخش عمده‌ای از این مناقشه از تفسیر متون آغازایلامی به‌دست آمده از شوش ناشی می‌شود؛ متونی که ثبت مقادیر قابل توجهی از دام و محصولات کشاورزی را نشان می‌دهند و اغلب در پژوهش‌های پیشین به‌عنوان شواهدی از وجود نظام شهری تعبیر شده‌اند (Dahl, 2012; Potts, 2016). در این خوانش، این متون مستقیماً به ظهور اقتدار سیاسی، بوروکراسی اداری، و نوعی نظم حکومت محور اولیه نسبت داده می‌شوند؛ الگویی که به‌طور ضمنی بر قیاس با تجربهٔ هم‌زمان بین‌النهرین جنوبی، به‌ویژه اوروک، استوار است (Damerow, 2006; Englund, 1996). با این‌حال، این تفسیر حکومت محور با مجموعه‌ای از داده‌های باستان‌شناختی شوش آغازایلامی سازگاری کامل ندارد. نبود معماری یادمانی گسترده (Steve & Gasche, 1971)، فقدان نشانه‌های روشن از یک مرکز اداری پایدار و سلسله‌مراتبی (Pittman, 1997)، و پراکندگی فضایی شواهد کنترلی، همگی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا می‌توان متونی که ماهیت پرداخت خراج دارند را بی‌واسطه به یک نظام مالیاتی متمرکز نسبت داد؛ به‌بیان دیگر، آیا ثبت پرداخت دام و محصول الزاماً به‌معنای حضور حکومت است، یا می‌توان آن را در چارچوبی متفاوت و کم‌تمرکزتر فهم کرد؟ این مقاله با تکیه بر مفهوم «اقتصاد سیال»^۱ و اصل «ماژولار

۱ اقتصاد سیال به الگویی از سازمان اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن فرآیندهای تولید، مبادله و توزیع نه در چارچوب نهادهای پایدار و سلسله‌مراتبی، بلکه در قالب شبکه‌ای پویا از کنش‌های موقعیتی و زمان‌مند سامان می‌یابند. در این الگو، واحدهای اقتصادی، عمدتاً در سطح خانوارها یا گروه‌های کوچک تولیدی، به‌صورت ماژولار و با درجه‌ای از خودمختاری عملکردی فعالیت می‌کنند و تعامل میان آن‌ها عمدتاً در مقاطع خاص و

بودن^۱ واحدهای اقتصادی (Polanyi, 1957)، پیشنهاد می‌کند که پرداخت‌های ثبت شده در متون آغازایلامی شوش نه به‌عنوان مالیات اجباری دولتی، بلکه به‌عنوان مکانیسم‌هایی انعطاف‌پذیر برای تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی تفسیر شوند. در چنین نظامی، واحدهای تولیدی و مبادله‌ای، چه دامداران کوچ‌نشین و چه کشاورزان یکجانشین، به‌صورت موقت و براساس نیازهای فصلی و موقعیتی با یکدیگر و با نهادهای مرکزی وارد تعامل می‌شوند، بدون آن‌که وابسته به یک ساختار بوروکراتیک پایدار باشند (یوسفی‌زشک و دیگران، ۱۴۰۵).

از این منظر، شوش را می‌توان نه یک مرکز اقتدار سیاسی، بلکه یک «گره تنظیمی»^۲ در شبکه‌ای گسترده‌تر دانست؛ جایی که پرداخت‌های تجاری مثل دام و محصولات کشاورزی کارکردهایی چون: حق دسترسی به مسیرهای تجاری، سهم مشارکتی در ذخایر فصلی، هزینه عضویت در یک شبکه اقتصادی، یا سازوکارهای توزیع موقت منابع را ایفا می‌کرده است.

به‌طور موقت شکل می‌گیرد؛ مقاطعی که معمولاً با بازارهای فصلی، نقاط تلاقی مسیرهای تحرک یا شرایط خاص زیست محیطی و معیشتی هم‌زمان هستند. تمرکز مشاهده‌شده در چنین نظامی، نه نتیجه استقرار یک نهاد مسلط یا ساختار اداری متمرکز، بلکه پیامد هم‌زمانی و هم‌مکانی کنشگران متنوع در ظرف‌های زمانی و فضایی مشخص است؛ بدین ترتیب، اقتصاد سیال مدلی از سازمان اقتصادی را بازنمایی می‌کند که در آن پیوندها موقتی، اما تکرار شونده هستند و انسجام کل نظام از دل تعامل ماژول‌های مستقل، نه از طریق کنترل نهادی فراگیر، حاصل می‌شود (Polanyi, 1957; Hann & Hart, 2011).

۱. ماژولار بودن در بستر اقتصاد سیال ناظر بر شیوه‌ای از سازمان‌یافتگی اقتصادی است که در آن کنشگران تولیدی و مبادلاتی، از سطح خانوار تا گروه‌های کاری و واحدهای محلی، به‌عنوان واحدهایی با انسجام عملکردی مستقل عمل می‌کنند و استمرار فعالیت آن‌ها مستلزم پیوند سازمانی ثابت با یک مرکز مسلط نیست. این واحدها قادرند متناسب با تغییرات زمانی، شرایط مکانی یا چرخه‌های فصلی، به‌صورت گذرا در پیکربندی‌های گسترده‌تر اقتصادی وارد شوند یا از آن خارج گردند، بی‌آن‌که تداوم یا کارایی کلی شبکه دچار اختلال شود. در این معنا، ماژولار بودن دلالت‌بر بی‌نظمی یا پراکندگی ندارد، بلکه نشان‌دهنده نوعی نظم انعطاف‌پذیر و غیرتمرکز یافته است که در آن شکل‌گیری پیچیدگی اقتصادی حاصل پیوندهای موقتی و همگرایی‌های زمینه‌مند میان واحدهای نسبتاً خود مختار است، نه محصول استقرار ساختارهای نهادی سلسله‌مراتبی و پایدار (Baldwin & Clark, 2000; Polanyi, 1957).

۲. گره تنظیمی به نقطه‌ای در یک شبکه اقتصادی اطلاق می‌شود که کارکرد آن نه اعمال اقتدار سیاسی یا کنترل نهادی پایدار، بلکه هماهنگ‌سازی، تسهیل و تنظیم تعاملات اقتصادی موقتی میان کنشگران مستقل است (Powell, 1990; Callon, 1998). چنین گره‌ای محل تلاقی جریان‌های کالا، اطلاعات و کنش‌های حسابداری است و نقش آن بیشتر به مدیریت دسترسی، زمان‌بندی، ثبت و توزیع مقطعی منابع محدود می‌شود، نه تمرکز مالکیت یا قدرت. گره تنظیمی می‌تواند بدون ساختار سلسله‌مراتبی عمل کند و کارکرد آن وابسته به موقعیت مکانی، زمان‌مندی تعاملات و میزان تراکم کنشگران است، نه به اقتداری مرکزی و دائمی.

چنین پرداخت‌هایی الزاماً نشانهٔ سلطهٔ سیاسی نیستند، بلکه می‌توانند بیانگر نوعی هم‌پیوندی اقتصادی و اجتماعی در بستری سیال و غیرمتمرکز باشند. هدف این پژوهش بازخوانی انتقادی متون موسوم به «خراج» شوش آغازیلامی و ارائه تفسیری بدیل از ماهیت این پرداخت‌هاست. با ترکیب تحلیل متنی متون آغازیلامی، داده‌های فضایی و اداری کاوش‌های شوش، و بهره‌گیری از قیاس‌های کنترل‌شدهٔ مردم‌نگارانه، تلاش می‌شود نشان‌دهنده شود که منطق این پرداخت‌ها بیش از آن‌که در چارچوب حکومت‌های اولیه قابل توضیح باشد، در قالب اقتصاد سیال و بازارهای موقعیتی فهم‌پذیر است. چنین رویکردی نه تنها به درک دقیق‌تر شوش آغازیلامی کمک می‌کند، بلکه امکان بازاندیشی گسترده‌تر در مفاهیم قدرت، اقتصاد و سازمان‌یافتگی در جوامع اولیه فلات ایران را فراهم می‌سازد.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی آن است که روشن سازد، آیا پرداخت‌های دامی و کشاورزی ثبت شده در متون آغازیلامی شوش را می‌توان به‌طور معتبر به‌عنوان شواهدی از یک نظام خراج ستانی یا مالیاتی متمرکز و دولت محور تفسیر کرد، یا آن‌که این پرداخت‌ها بیشتر در چارچوب سازوکارهای تنظیمی یک اقتصاد سیال و ماژولار قابل فهم‌اند؛ بر این اساس، پرسش اصلی آن است که ساختار درونی متون، الگوهای ثبت نامتقارن و ناپیوسته، و فقدان استمرار در حسابداری مبادلات تا چه اندازه با منطق بازتوزیع نهادی و انباشت پایدار منابع ناسازگار بوده و در مقابل، چگونه می‌توان آن‌ها را بازتاب تعاملات موقعیتی و موقت میان واحدهای مستقل تولیدی، مبادلاتی و نقاط مرکزی دانست؛ افزون‌بر این، پژوهش می‌پرسد فقدان شواهد معماری عظیم مرتبط با انبارداری و تمرکز منابع در شوش آغازیلامی چه دلالتی برای ماهیت اقتدار اقتصادی و دامنهٔ کنترل نهادی دارد و آیا این وضعیت مؤید وجود گره‌های تنظیمی بوده است که کارکرد آن‌ها نه تمرکز مالکیت، بلکه هماهنگی، زمان‌بندی و تنظیم جریان‌های فصلی و پرریسک منابع بوده است. درنهایت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا منطق اقتصادی حاکم‌بر این پرداخت‌ها را می‌توان بهتر به مثابه نظامی شبکه‌ای، انعطاف‌پذیر و وابسته به شرایط مکانی-زمانی بازسازی کرد؟ نظامی که در آن پرداخت ثبت شده الزاماً نشانهٔ تبعیت سیاسی یا مالیاتی

نیست، بلکه بخشی از سازوکار مدیریت دسترسی، کاهش عدم قطعیت و تنظیم روابط میان کنشگران اقتصادی متکثر به شمار می‌آید.

فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش بر این فرض استوار است که، پرداخت‌های دامی و کشاورزی ثبت شده در متون آغازایلامی شوش الزاماً بازتاب یک نظام خراج ستانی یا مالیات دولتی متمرکز نیستند، بلکه بخشی از مکانیسم‌های تنظیمی در یک اقتصاد سیال و مازولار به شمار می‌آیند که در آن واحدهای تولیدی و مبادله‌ای به صورت موقت و موقعیتی با یکدیگر و با نهادهای مرکزی وارد تعامل می‌شوند؛ بر این اساس، ساختار متون، عدم استمرار و تقارن در ثبت‌ها، و فقدان شواهد معماری و انبارداری عظیم در شوش نشان می‌دهد که این پرداخت‌ها نه برای بازتوزیع دائمی منابع تحت کنترل یک اقتدار سیاسی پایدار، بلکه برای مدیریت ریسک، تأمین دسترسی، تنظیم روابط شبکه‌ای و پاسخ به چرخه‌های فصلی طراحی شده بودند؛ در نتیجه، این فرضیه مطرح می‌شود که منطق اقتصادی حاکم بر این پرداخت‌ها بیش از آنکه حکومت محور و سلسله‌مراتبی باشد، شبکه‌ای، انعطاف‌پذیر و وابسته به شرایط موقعیتی بوده است.

روش پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش بر پایه خوانش دقیق و تحلیل ساختاری متون آغازایلامی (به‌ویژه گل‌نشته‌های پرداخت خراج) استوار است که ماهیت پرداخت‌های خراجی را در قالب دامی (گوسفند و بز) و کشاورزی (محصولات زراعی) ثبت کرده‌اند. رویکرد اصلی، تحلیل کیفی - تحلیلی این الواح با تمرکز بر شناسایی الگوهای توزیع، فراوانی، و بافت موقعیتی پرداخت‌ها است؛ نخست، نمونه‌های شاخص متون مرتبط با پرداخت خراج گردآوری و از نظر زبانی و محتوایی بازخوانی می‌شوند؛ سپس، با تحلیل ساختاری سربرها و مقادیر الواح، شبکه‌های دریافت و پرداخت، واحدهای حسابداری و تناوب زمانی رویدادها استخراج می‌گردد. این تحلیل‌ها در چارچوب نظری «اقتصاد سیال» تفسیر می‌شوند تا نشان‌دهنده شود که این پرداخت‌ها نه به‌عنوان مالیات متمرکز و اجباری یک حکومت نهادمند، بلکه به مثابه مبادلات موقعیتی، حق‌العبور، سهم مشارکتی در شبکه‌های اقتصادی موقت، یا ذخیره فصلی در یک نظام اقتصادی مازولار عمل می‌کرده‌اند.

مبانی نظری (نقد چارچوب دولت‌محور در خوانش اقتصادهای اولیه)

بخش قابل‌توجهی از تفسیرهای رایج دربارهٔ اقتصاد حکومت‌های اولیهٔ جنوب‌غرب ایران، تحت تأثیر الگوی دولت‌شهر متمرکز و قیاس مستقیم با اقتصادهای اوروک متأخر و بین‌النهرین کلاسیک در هزارهٔ سوم پیش‌ازمیلاد شکل گرفته‌اند (Adams, 1966; Jacobsen, 1984; Wilkinson, 2000). در این چارچوب، وجود متون اداری به‌عنوان شواهد قطعی از یک نظام بروکراتیک متمرکز و سازوکار بازتوزیعی دولت‌محور تفسیر می‌شود. این رویکرد، به‌صورت پیش‌فرض، هرگونه ثبت حسابداری را معادل حضور نهادی پایدار، سلسله‌مراتبی و فراگیر در نظر می‌گیرد (Nissen *et al.*, 1993)؛ با این حال، این نوع همسان‌انگاری مفهومی با مشکلات نظری جدی روبه‌روست؛ نخست آن‌که، وجود متن اداری لزوماً به‌معنای وجود حکومت نهادمند یا نظام مالیاتی تثبیت شده نیست؛ بلکه می‌تواند بازتاب نیازهای تنظیمی موقت، مدیریت ریسک، یا هماهنگی شبکه‌های تولید و جابه‌جایی کالا باشد. دوم آن‌که، در شوش آغازیلامی شواهد روشنی از معماری یادمانی، تمرکز فضایی نهادی، یا دستگاه اداری فراگیر هم‌زمان با نخستین متون وجود ندارد؛ امری که فرض وجود یک دولت متمرکز کارآمد را تضعیف می‌کند. در نتیجه، کاربرد مفاهیمی چون: «مالیات»، «خراج دولتی» یا «بازتوزیع مرکزی» در این دوره، بیش از آن‌که حاصل شواهد مستقیم باشد، بازتاب انتقال مفاهیم متأخر به زمینه‌ای پیشنهادی است. چنین خوانشی نه‌تنها ظرفیت تبیین تنوع و ناپایداری الگوهای ثبت شده در متون شوشی را ندارد، بلکه پیچیدگی اقتصادی ساختارهای سیاسی و اقتصادی پیچیدهٔ اولیه را به‌طور مصنوعی ساده‌سازی می‌کند؛ از این‌رو، نیاز به چارچوبی وجود دارد که بتواند هم‌زمان با فقدان تمرکز نهادی پایدار، وجود سازوکارهای تنظیم اقتصادی و ثبت حسابداری را توضیح دهد.

در این پژوهش، مفهوم «درهم‌تنیدگی»^۱ اقتصاد، براساس چارچوب نظری کارل پولانی، نقش محوری دارد (Polanyi, 1957; Dalton, 1961; Hann & Hart, 2011). از دید «پولانی»،

۱. درهم‌تنیدگی (Embeddedness) به وضعیتی اشاره دارد که در آن کنش‌ها و مناسبات اقتصادی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت‌های اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر عمل می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان قلمرویی مستقل و خود سامان فهم کرد (Polanyi, 1957; Hann & Hart, 2011). در چنین چارچوبی، تولید، مبادله و توزیع همواره درون شبکه‌هایی از روابط خویشاوندی، پیوندهای اجتماعی، هنجارهای مشترک و ملاحظات زمانی و مکانی شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند؛ از این‌رو، تصمیم‌های اقتصادی نه صرفاً برپایهٔ محاسبات انتزاعی سود و

در جوامع پیش‌صنعتی، فعالیت‌های اقتصادی از نهادهای اجتماعی، سیاسی و آئینی جدا نیستند و اقتصادی مستقل به‌معنای مدرن آن وجود ندارد. در چنین شرایطی، مبادله، توزیع و تولید نه از طریق بازارهای نهادمند و خودتنظیم، بلکه در بستر روابط اجتماعی، پیوندهای خویشاوندی، وابستگی‌های مکانی و تعهدات متقابل سامان می‌یابد (Polanyi, 1957; Smith, 2021). کاربرد بی‌واسطه مفهوم «بازار» یا «نظام مالیاتی» برای تفسیر متون آغازایلامی، این واقعیت بنیادی را نادیده می‌گیرد (یوسفی‌زشک و همکاران، ۱۴۰۵). در شوش آغازایلامی، نشانه‌ای از بازار نهادمند یا دستگاه اجرایی دائمی برای اخذ مالیات مشاهده نمی‌شود. در عوض، آنچه دیده می‌شود شبکه‌ای از پرداخت‌ها، تحویل‌ها و ثبت‌های حسابداری است که به شدت وابسته به زمینه زمانی، مکانی و اجتماعی‌اند.^۱ این ویژگی‌ها با الگوی اقتصاد درهم‌تنیده سازگارند، اما با مدل اقتصاد حکومتی همخوانی ندارند. از این منظر، ثبت پرداخت‌های دامی یا کشاورزی را

زیان، بلکه در پیوند با مناسبات اجتماعی موجود، انتظارات متقابل و تعهدات تثبیت شده در بسترهای محلی اتخاذ می‌شوند. در نظام‌های درهم‌تنیده، کارکرد سازوکارهای اقتصادی به‌شدت به اعتماد، شناخت متقابل و حضور اجتماعی کنشگران وابسته است و مبادلات اغلب از طریق تعاملات مستقیم و چهره‌به‌چهره سامان می‌یابند. قواعد مبادله در این شرایط کمتر به‌صورت قوانین صوری و نهادمند تثبیت می‌شوند و بیشتر به‌صورت عرفی، موقعیتی و وابسته به زمینه عمل می‌کنند؛ بدین ترتیب، اقتصاد نه هم‌چون سامانه‌ای منفک از جامعه، بلکه به مثابه یکی از ابعاد کنش اجتماعی قابل‌فهم است که منطق آن با ساختارهای قدرت، الگوهای هم‌بستگی و ریتم‌های زیستی و زمانی جامعه درهم‌تنیده است (Dalton, 1961; Hann & Hart, 2011).

۱. داده‌های باستان‌شناختی شوش در دوره آغازایلامی به‌طور معناداری از این الگوی شهرمحور فاصله می‌گیرند. تاکنون، باوجود کاوش‌های گسترده، هیچ شواهد روشنی از کاخ، معبد بزرگ، انبارهای مرکزی یا محله‌های اداری تفکیک‌شده که بتوان آن‌ها را به یک نهاد متمرکز حکمرانی یا بازتوزیع نسبت داد، در شوش آغاز ایلامی شناسایی نشده است (Carter, 1980; de Miroshedji, 1981). این غیاب، به‌ویژه در محوطه‌ای با این حجم از شواهد اداری، مورها، گلنشته‌ها و ابزارهای مدیریتی، تصادفی یا ناشی از کمبود داده به‌نظر نمی‌رسد، بلکه بیانگر منطق متفاوتی در سازمان‌دهی اقتصاد و قدرت است (Pittman, 1997; Dittmann, 1986). بررسی الگوی معماری و توزیع مواد فرهنگی در شوش نشان می‌دهد که فعالیت‌های تولیدی، ذخیره‌ای و اداری عمدتاً در فضاهای غیریادمانی و در دل بافت‌های مسکونی صورت می‌گرفته‌اند. کارگاه‌ها، فضاهای انبار و محل‌های ثبت و مهرکردن کالاها نه در ساختمان‌های شاخص یا مجزا، بلکه در قالب واحدهای کوچک، پراکنده و هم‌زیست با فضاهای سکونتی سازمان‌یافته بودند (Pittman, 1997): به این ترتیب، اقتصاد شوش نه حول یک «مرکز» مسلط، بلکه در شبکه‌ای از نقاط متعدد و هم‌سنگ عمل می‌کرد. در این چارچوب، غیاب مرکزیت کالبدی را نباید به‌عنوان نشانه‌ای از ناکامی در دستیابی به پیچیدگی اقتصادی یا مرحله‌ای ناتمام در مسیر شهرنشینی تلقی کرد؛ برداشتی که اغلب از مقایسه انتقادی با تجربه میان‌رودان جنوبی ناشی می‌شود.

باید نه به مثابه بخشی از یک نظام اقتصادی مرکزی، بلکه به‌عنوان ابزارهای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی در بستر شبکه‌ای سیال فهم کرد. برای عبور از محدودیت‌های مدل حکومت محور، این پژوهش از نظریه «اقتصاد سیال» و «ساختار ماژولار» بهره می‌گیرد؛ مدلی که پیش‌تر در مطالعات اقتصادهای کوچ‌رو، شبکه‌های فرامنطقه‌ای و جوامع فاقد تمرکز نهادی پایدار به‌کار رفته است (Khazanov, 1994). در این چارچوب، اقتصاد نه به‌صورت یک کلیت یکپارچه و سلسله‌مراتبی، بلکه به‌صورت مجموعه‌ای از واحدهای نسبتاً خودمختار عمل می‌کند که در مقاطع زمانی خاص به یک‌دیگر متصل یا از هم منفصل می‌شوند. ماژول‌های اقتصادی می‌توانند شامل: گروه‌های تولیدکننده، شبکه‌های توزیع فصلی، مسیرهای جابه‌جایی دام و کالا، یا کانون‌های موقت ذخیره باشند. ویژگی اساسی این ماژول‌ها، انسجام درونی، انعطاف‌پذیری بالا و عدم وابستگی ساختاری دائمی به یک مرکز واحد است (Smith, 2021). ثبت‌های اداری در چنین نظامی، نه ابزار کنترل دولتی، بلکه صورت‌بندی‌های حسابداری موقت برای مدیریت تعامل میان این ماژول‌ها هستند.

در این چارچوب، پرداخت‌هایی که در متون آغازیلامی به‌صورت خراج یا تحویل ثبت شده‌اند، می‌توانند کارکردهایی غیر از مالیات داشته باشند؛ ازجمله حق دسترسی به منابع یا مسیرها، سهم مشارکتی در پروژه‌های جمعی، ذخیرهٔ فصلی برای مدیریت ریسک، یا هزینهٔ عضویت در یک شبکهٔ اقتصادی خاص. چنین خوانشی امکان تفسیر تنوع صوری، ناپایداری نهادی و توزیع غیرمتمرکز شواهد اداری در شوش آغازیلامی را فراهم می‌کند. اتخاذ چارچوب اقتصاد سیال و ماژولار پیامدهای مستقیم برای تفسیر متون پرداختی شوش دارد؛ در این رویکرد، متون خراجی دیگر نه سندی از اقتدار یک حکومت متمرکز، بلکه شواهدی از کنش‌های تنظیمی در یک اقتصاد شبکه‌ای و موقعیتی محسوب می‌شوند. سرب‌گ‌های اداری، فهرست پرداخت‌کنندگان و ناهمگونی در مقیاس و تناوب پرداخت‌ها، نشانه‌هایی از تعدد ماژول‌ها و نبود یک منطق واحد و فراگیر گردآورنده هستند؛ بدین ترتیب، این پژوهش زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن بتوان متون آغازیلامی را نه به‌عنوان بازتاب نظام اقتصادی حکومتی، بلکه به مثابه اسناد کارکردی یک اقتصاد درهم‌تنیده، سیال و غیرمتمرکز تحلیل کرد؛ اقتصادی که نظم آن نه از طریق نهادهای سخت، بلکه از رهگذر اتصال موقت ماژول‌ها و سازوکارهای موقعیتی شکل می‌گرفت.

دوره آغاز ایلامی

دوره آغاز ایلامی (۳۳۰۰-۲۸۰۰ پ.م.) یکی از نقاط عطف در شکل‌گیری نخستین نظام‌های اداری و نوشتاری در فلات ایران و دشت شوشان است؛ هرچند بیش از یک قرن از شناسایی این پدیده گذشته، طی چند دهه اخیر باستان‌شناسی و مطالعات این متون، آنرا بیش از پیش در کانون توجه قرار داده‌اند (Kelley, 2018; 2019; 2024; Yousefi *et al.*, 2025; Palarde, 2022). نخستین بار «ونسان شایل»، عضو هیئت کاوش «ژاک دمورگان»، در سال ۱۹۰۵م. اصطلاح «آغاز ایلامی» را برای گروهی از گل‌نشته‌های اندیشه‌نگار شوش به کار برد، و آنرا متعلق به دوران آغاز تاریخی ایران و مربوط به زبانی فرضی به نام «انشانی» دانست (Scheil, 1905: 60; Dahl, 2009: 31). با وجود این تلاش‌ها، شناخت ما از ساختار دقیق این متون همچنان محدود است؛ گزارش‌های اولیه کاوش‌ها غالباً فاقد مستندسازی علمی دقیق بودند و رمزگشایی کامل نظام نوشتاری آغاز ایلامی همچنان به انجام نرسیده است (Englund, 1998; Damerow, 1999; Dahl, 2009;). این نظام عمدتاً از نشانه‌های تصویری-مفهومی و عددی تشکیل شده است. (Born *et al.*, 2021). این نشانه‌ها میان بخش آغازین و بدنه متن تقسیم می‌شوند. بخش آغازین یا «سربرگ»^۱ نقش برچسب نهادی یا موضوعی داشته و کارکردی همانند «فراداده» برای دسته‌بندی اسناد ایفا می‌کند (Kelley, 2024). پژوهش‌ها همچنین بر نقش اجتماعی-نمادین برخی نشانه‌ها در بازتاب تقسیم کار، جنسیت و سن تأکید کرده‌اند (Kelley, 2018; 2019). این متون همچنین بر ماهیت تصویری این بخش‌ها به عنوان بازمانده سنت‌های مهری و تصویری آغازنگارشی اشاره کرده‌اند (Kelley, 2024). در میان این سربرگ‌ها، برخی نشانه‌ها مانند M136 و M157 جایگاه ویژه‌ای دارد. تکرار گسترده آن در متون آغاز ایلامی شوش و موقعیت ثابت آن در ابتدای متن، حاکی از نقش بنیادین در سازمان‌دهی و طبقه‌بندی اسناد است. با وجود پژوهش‌های کلاسیک در حوزه تحلیل نشانه‌ها (Damerow, 1999; Dahl, 2002; Dahl *et al.*, 2013; Englund, 2001) و خوانش‌های موضوعی (Dahl, 2005; 2016; Dahl *et al.*, 2018; Kelley, 2019; Yousefi Zoshk, *et al.*, 2022)، تمرکز بر نهاد قدرت و بررسی جایگاه آن در ساختار سازمانی متون کمتر انجام شده است.

شواهد باستان‌شناختی و محتوای گل‌نبشته‌های مکشوفه از شوش در دورهٔ آغازیلامی نشان می‌دهد که این محوطه در اواخر هزارهٔ چهارم پیش‌ازمیلاد نه صرفاً یک مرکز سیاسی متمرکز، بلکه کانونی تنظیمی در دل شبکه‌ای گسترده از واحدهای تولیدی و مبادلاتی در جنوب‌غرب ایران بوده است (Yousefi et al., 2025). گل‌نبشته‌های آغازیلامی نشان می‌دهند که شوش کارکردی شبیه به یک منفذ تنظیم‌شده برای گردش مازاد ایفا می‌کرد؛ منفذی که در آن کالاها از سوی واحدها یا کنشگران مختلف و در قالب‌هایی ناهمگون و گاه ناپیوسته وارد می‌شدند، بی‌آن‌که الزاماً بیانگر یک نظام واحد و سلسله‌مراتبی بازتوزیعی باشند (یوسفی‌زشک و همکاران، ۱۴۰۵). ثبت دقیق نوع و مقدار کالاها و نیز نام واحد یا فرد تحویل‌دهنده، آن‌چنان‌که در این متون مشاهده می‌شود، نه لزوماً بازتاب یک بوروکراسی مالیاتی متمرکز، بلکه نشانه‌ای از نیاز به هماهنگی، شفاف‌سازی و مدیریت تعاملات موقتی میان کنشگران مستقل در یک اقتصاد سیال است (یزدانی و یوسفی، ۱۳۹۸).

مطالعهٔ دقیق محتوای متون نشان می‌دهد که نظام خراج شوش طیف متنوعی از منابع را پوشش می‌داد؛ در بخش دامداری و فرآورده‌های حیوانی، ثبت منظم تعداد گوسفندان، بزها و گاوها، به‌همراه فرآورده‌هایی هم‌چون: پشم، شیر و چربی دیده می‌شود (Englund, 1998). بخش دوم این اسناد به محصولات کشاورزی اختصاص داشت؛ یعنی غلاتی هم‌چون گندم و جو و دیگر محصولات بومی، که یا براساس وزن استاندارد ثبت می‌شدند یا به شکل شمارش ظرف‌های معیار (اعتمادی‌فر، ۱۴۰۴). اهمیت این گروه در نقش مستقیم آن‌ها در تأمین ذخایر غذایی برای طبقهٔ اداری، نیروی کار وابسته به پروژه‌های عمومی، و شاید نیروهای محافظ شوش نمود پیدا می‌کند. مدیریت این نظام برعهدهٔ قشری کوچک از «نخبگان اداری-سیاسی» بود که در برخی گل‌نبشته‌ها، نام یا عنوانشان به‌طور مستقیم ذکر شده است (افشاری، ۱۳۹۸). این نخبگان با بهره‌گیری از ابزارهای بوروکراتیکی نوآورانه، ازجمله نظام عددی پیشرفته، استفاده از مهرهای استوانه‌ای برای کنترل هویت کالاها، و آرشیکردن مستمر متون، کنترل خود را نه تنها بر منابع اقتصادی، بلکه بر پویایی اجتماعی و سیاسی مناطق وابسته تثبیت می‌کردند (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹). ستون‌های بنیادین این ساختار خراج را می‌توان در «تمرکز ذخیره سازی» در انبارهای خاندان‌های شاخص شوش و «بازتوزیع غیرهمگن کالاها» براساس میزان

وفاداری و جایگاه اجتماعی دریافت‌کنندگان جست‌وجو کرد. این ساختار با توان کنترل ترکیب خراج‌ها و شکل بازتوزیع، انعطاف قابل‌توجهی داشت (اعتمادی‌فر، ۱۴۰۴).

تحلیل متون پرداخت خراج آغازایلامی زمانی معنا پیدا می‌کند که آن‌ها را نه در چارچوب حکومت‌محور، بلکه بر بستر اقتصاد سیال بررسی کرد. از این منظر، هر متن اداری صرفاً ثبت یک «پرداخت» نیست، بلکه بازتاب کنش‌های اقتصادی زمینه‌مند، توافقات موقعیتی، و تعامل میان واحدهای مستقل یا نیمه‌مستقل است. همان‌گونه که در مبانی نظری نشان‌داده شد، تنوع ساختاری و پراکندگی مضمونی این الواح بیشتر با الگوی اقتصاد درهم‌تنیده و شبکه‌ای سازگار است تا با مدل مالیات ستانی متمرکز؛ بنابراین، هدف این بخش نه طبقه‌بندی سنتی خراج به مثابه مالیات دولتی، بلکه بازشناسی منطق‌های موقعیتی است که این پرداخت‌ها را ضروری، قابل‌ثبت و اجتماعی قابل‌پذیرش کرده است. برای پیشبرد این هدف، تحلیل ما بر این پیش‌فرض استوار است که «پرداخت» در متون شوش الزاماً به‌معنای انتقال از پیرامون به مرکز نیست؛ بلکه روندی است مبتنی بر حق‌دسترسی، تنظیم روابط ماژولی، یا تسویه تعهدات شبکه‌ای که می‌تواند میان واحدهای متعدد رخ دهد. تفاوت در ساختار سربرگ‌ها، شیوه نام‌گذاری دریافت‌کنندگان، و مقیاس متغیر کالاهای پرداختی در متون مختلف، نشان‌دهنده آن است که این پرداخت‌ها در چارچوب ثابت و نهادمند متمرکزی انجام نمی‌شده‌اند؛ بر این اساس، برای ورود نظام‌مند به تحلیل، دو متن شاخص از میان متون آغازایلامی شوش انتخاب شده‌اند؛ دو نمونه‌ای که هر یک جنبه متفاوتی از سازوکار پرداخت‌ها را روشن می‌کنند؛ متن نخست، الگویی از پرداخت‌های دامی را نشان می‌دهد که در آن رابطه میان واحد تولیدی و دریافت‌کننده نهایی برجسته است؛ الگویی که به‌خوبی ماهیت شبکه‌ای و فصلی انتقال‌ها را نمایان می‌سازد. متن دوم، نمونه‌ای از پرداخت‌های کشاورزی و ثبت محصولاتی است که در مقاطع خاص و به‌صورت تجمیعی تحویل می‌شوند؛ الگویی که منطق ذخیره‌سازی، سهم‌گیری مشارکتی و تسویه دوره‌ای را بازتاب می‌دهد. این دو متن، در کنار یک‌دیگر، طیفی از سازوکارهای پرداخت در شوش آغازایلامی را به تصویر می‌کشند و به ما امکان می‌دهند نشان‌دهیم که خراج در این دوره، نه یک نظام مالیاتی فراگیر، بلکه مجموعه‌ای از ترتیبات موقعیتی و سیال میان ماژول‌های اقتصادی بوده است.

خوانش گل‌نبشتهٔ MDP 26: 118: ثبت کشاورزی در یک ساختار خراجی شبکه‌ای

گل‌نبشته (MDP 26: 118) نمونه‌ای شاخص از متونی است که در نگاه نخست می‌تواند به سادگی در چارچوب یک نظام مالیاتی متمرکز تفسیر شود، اما بررسی دقیق ساختار درونی، چینش نشانه‌ها و منطق حسابداری آن، تصویر پیچیده‌تری از شیوه‌های اداری و سازمان اقتصادی شوش در دورهٔ آغازیلامی ارائه می‌دهد (تصویر ۱). این لوح، با ارائه ترکیبی منحصربه‌فرد از نشانه‌های سربرگ، نشانه‌های مالکیتی و داده‌های کشاورزی، پنجره‌ای به سازوکارهای ثبت و تنظیم پرداخت‌ها در یک اقتصاد درهم‌تنیده و سیال می‌گشاید. روی لوح با یک سربرگ مشخص و نشانهٔ مالکیت مرکب (M387+387)، () آغاز می‌شود؛ ترکیبی که عموماً در متون آغازیلامی به‌عنوان نشان‌دهندهٔ یک واحد شناخته شده، احتمالاً یک خانوار، گروه اقتصادی یا کانون شبکه‌ای، به‌کار می‌رود. مدخل دوم شامل نشانهٔ (M056-f) ^۱، () است که اگرچه معنای دقیق آن هنوز محل بحث است، به‌طور گسترده با فعالیت‌های کشاورزی و به‌ویژه محصولات غله‌ای مرتبط دانسته می‌شود. حضور این نشانه در کنار دو علامت (N45) از نظام ظرفیت‌سنجی آغازیلامی نشان می‌دهد که مقادیر ثبت شده با واحدهای حجمی اندازه‌گیری شده‌اند و به احتمال زیاد به نوع مشخصی از محصول کشاورزی، احتمالاً جو، اشاره دارند. نکتهٔ قابل توجه این است که تمامی نشانه‌های غیر عددی این لوح، به استثنای (M056-f)، در زمرهٔ نشانه‌هایی قرار می‌گیرند که در متون آغازیلامی غالباً نقش سربرگ یا نشانهٔ خانوادگی دارند. این ویژگی ساختاری، همراه با محتوای آشکارای کشاورزی گل‌نبشته، حاکی از آن است که ثبت اطلاعات نه براساس کالا به تنهایی، بلکه در پیوند مستقیم با واحدهای اجتماعی مشخص انجام می‌شده است؛ به بیان دیگر، این لوح صرفاً ثبت مقدار محصول نیست، بلکه ثبت روابط اقتصادی میان چندین واحد مشارکت‌کننده در یک چارچوب مشترک است. پس از مدخل‌های ابتدایی، هفت ثبت متوالی دیده می‌شود که هر یک شامل یک

۱. نشانه (M056-f) در سنت میخی با نماد خیش (APIN) قابل مقایسه است و در زمینهٔ آغازیلامی نیز ارتباط آشکاری با فعالیت‌های شخم‌زنی و کشت دارد؛ هرچند امکان تفاوت معنایی جزئی با معادل بین‌النهرینی آن وجود دارد. نشانهٔ (M288) از نظر ساختاری و معنایی با مقوله‌های پرداخت غله‌ای و عملیات بازتوزیع محصول پیوند دارد، که آن را به حوزهٔ ثبت معاملات کشاورزی و تحویل غلات نزدیک می‌سازد (Yousefi et al., 2024).

«نشانه خانوادگی»^۱ یا نهادی و یک مقدار عددی با واحد (N14) است: (M384)، () با
 (M195)، () با (N14)۳، یک نشانه ناشناس با (N14)۳، (M136-i)، () با

۱. در مدل‌های اقتصادی سیال و ماژولار، واحدهای مستقل (ماژول‌ها) می‌توانند به‌طور موازی و با حداقل هماهنگی مرکزی عمل کنند. در چنین نظامی، نیاز به شناسایی دقیق هر کنش‌گر به‌عنوان شرط لازم برای ثبت تراکنش‌ها، تخصیص منابع و حل اختلافات ظهور می‌کند. تنوع بالای تیتراها در گل‌نشته‌های آغاز ایلامی شوش دقیقاً همین نیاز را منعکس می‌کند: هر سربرگ نشان‌دهنده یک هویت متمایز (خانوار، گروه کاری، واحد تولیدی، شبکه توزیع محلی) است که در فرآیندهای اقتصادی مشارکت داشته است. از منظر درهم‌تنیدگی اقتصادی، کنش اقتصادی جدا از بافت اجتماعی‌اش معنا ندارد. در شوش آغاز ایلامی، تیتراها احتمالاً نه فقط نام‌های اداری، بلکه عنوان‌های اجتماعی، قومی، حرفه‌ای یا خویشاوندی بوده‌اند که موقعیت کنشگر را در شبکه روابط مشخص می‌کرده‌اند. این امر با مشاهده تکرار برخی تیتراها در متون مختلف (که نشان‌دهنده تداوم هویت آن واحد در زمان است) و ظهور تیتراهای جدید در دوره‌های خاص (که نشان‌دهنده ورود کنشگران جدید به شبکه اقتصادی است) تقویت می‌شود. شوش در این مدل، نه پایتخت متمرکز، بلکه یک گره تنظیمی نقطه‌ای در شبکه که جریان اطلاعات، کالا و خدمات را هماهنگ می‌کند. در چنین گره‌ای، ثبت دقیق تیتراها اجازه می‌دهد تا پایش جریان‌های چندگانه از واحدهای مستقل ممکن شود، تخصیص منابع براساس مشارکت هر واحد صورت گیرد و حل اختلافات براساس شناسایی طرفین تسهیل گردد. این کارکرد با ماهیت اداری-حسابگری گل‌نشته‌های آغاز ایلامی همخوانی کامل دارد؛ ثبت نه برای کنترل متمرکز، بلکه برای شفاف سازی و تسهیل مبادلات در شبکه‌ای غیرمتمرکز انجام می‌شده است. در یک نظام بوروکراتیک متمرکز (مانند: دستگاه اداری اوروک)، عدم وجود سربرگ در مقابل، تنوع بالا و عدم استانداردسازی شدید سربرگ‌های الواح آغاز ایلامی در شوش حاکی از آن است که کنش‌گران متعدد خودمختاری نسبی در تعریف هویت و نقش خویش داشته‌اند. این امر با مفهوم اقتصاد سیال سازگار است؛ ساختار اقتصادی نه از پیش طراحی شده، بلکه براساخته تعاملات موقعیتی واحدهای مستقل است. مطالعه کلی (Kelley, 2024) بر روی تیتراهای آغاز ایلامی نشان می‌دهد که بسیاری از تیتراها حاوی نشانه‌های تصویری (مثلاً حیوانات، ابزارها، اشکال هندسی) هستند که احتمالاً به حرفه، موقعیت جغرافیایی یا وابستگی گروهی اشاره دارند. تحلیل آماری فراوانی تیتراها در متون مختلف (Baghizadeh & Yousefi, 2024) نشان می‌دهد که برخی تیتراها بسیار تکرار شونده‌اند (واحدهای پایدار)؛ در حالی که برخی دیگر تنها یک‌بار ظاهر می‌شوند (واحدهای موقت یا موقعیتی). این الگو با شبکه‌ای پویا و در حال تغییر همخوانی دارد؛ بنابراین، تنوع سربرگ‌ها در گل‌نشته‌های آغاز ایلامی شوش را می‌توان بازتاب ساختار اقتصادی شبکه‌ای، غیرمتمرکز و سیال تفسیر کرد که در آن واحدهای مستقل متعدد (خانوارها، کارگاه‌ها، گروه‌های کاری) در تولید و مبادله مشارکت داشته‌اند و شوش به‌عنوان گره تنظیمی با ثبت دقیق هویت هر واحد، جریان منابع را هماهنگ می‌کرده است.

(N14) ۶، نشانهٔ ناشناس دیگری با (N14) ۱، (M286-a)، () () با (N14) ۱۰ و در نهایت (M305)، () با (N14) ۳. تنوع نشانه‌های پیش از مقادیر عددی به‌روشنی نشان می‌دهد که با مجموعه‌ای از مشارکت‌کنندگان متمایز روبه‌رو هستیم که هر یک سهمی مشخص از محصول مورد نظر را ارائه کرده‌اند. اعداد همراه این نشانه‌ها، در چارچوب سرفصل (M056-f)، حجم سهم هر واحد را در قالب یک نوع معین از محصول کشاورزی تعیین می‌کنند. پشت لوح شامل یک ثبت نهایی است که به‌وضوح نقش جمع‌بندی داده‌های روی لوح را ایفا می‌کند. این ثبت شامل ترکیب (N34، N45 و M056-f) است و به‌میزان کل محصول تحویلی اشاره دارد. تطابق دقیق محاسبات دو سوی لوح نشان‌دهندهٔ یک نظام حسابداری منسجم و دقیق است. محاسبهٔ مقادیر پس از تبدیل به واحد پایه (N01)، نشان می‌دهد که مجموع روی لوح، شامل (N45) ۲ معادل (N01) ۱۲۰ در مدخل دوم و مقادیر مدخل‌های سوم تا نهم جمعاً (N01) ۱۲۰، به عدد نهایی (N01) ۲۴۰ می‌رسد؛ عددی که عیناً در ثبت نهایی پشت لوح نیز تکرار شده است. این هم‌خوانی کامل، بیانگر آن است که هدف از این سند، نظارت و تسویهٔ دقیق جریان محصول بوده است.

در خوانش‌های سنتی، چنین ساختاری معمولاً به‌عنوان شاهی از اخذ خراج یا تحویل‌های اجباری به یک نهاد مرکزی تفسیر می‌شود؛ با این حال، در چارچوب نظری اقتصاد سیال و مازولار، می‌توان این گل‌نبشته را به‌گونه‌ای متفاوت فهم کرد. نشانه‌های متعدد مالکیتی نه الزاماً نمایانگر «مؤدیان مالیات»، بلکه بیانگر واحدهای مشارکت‌کننده در یک سازوکار شبکه‌ای هستند که از طریق تحویل مقادیر مشخصی از محصول، در یک نظام اقتصادی مشترک سهیم بوده‌اند. پرداخت‌های ثبت شده می‌تواند کارکردهایی هم‌چون: سهم مشارکتی، حق بهره‌مندی از دسترسی‌های اقتصادی، یا تسویهٔ دوره‌ای تعهدات درون‌شبکه‌ای را بازتاب دهند. از این منظر، این گل‌نبشته، مشابه گل‌نبشته (MDP 26:115)، نه سندی از یک نظام مالیاتی فراگیر، بلکه نمونه‌ای از ثبت خراج در قالب یک اقتصاد درهم‌تنیده است؛ اقتصادی که در آن، پیوند میان

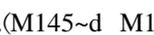
هم‌چنین سربرگ‌ها به‌عنوان نشانه‌های هویتی، هم کارکرد اداری (ثبت و حسابگری) و هم کارکرد اجتماعی- نمادین (تمایز و شناسایی) داشته‌اند.

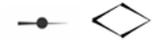
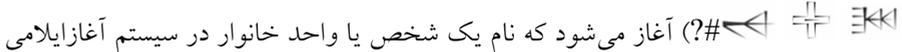
خانوارها، محصولات و سازوکارهای حسابداری، بدون اتکا به یک مرکز نهادمند پایدار، از طریق اسناد اداری موقت و دقیق تنظیم می‌شده است. این لوح به‌خوبی نشان می‌دهد که خراج در شوش آغازایلامی بیش از آن‌که ابزار سلطه دولتی باشد، سازوکاری برای تنظیم و تداوم روابط اقتصادی میان ماژول‌های مستقل اما به‌هم پیوسته بوده است.



تصویر ۱: گل‌نشته MDP 26:118 ثبت مشارکت‌های کشاورزی در یک چارچوب حسابداری غیرمتمرکز (عکس برگرفته از: <https://cdli.mpiwg-berlin.mpg.de>; طرح: حسن افشاری).

گل‌نشته MDP 06, 353: پرداخت دامی و تمرکز شبکه‌ای در یک اقتصاد سیال
گل‌نشته آغازایلامی (MDP 06, 353) یکی از نمونه‌های شاخص متونی است که امکان بررسی سازوکارهای پرداخت خراج در شوش اواخر هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد را فراهم می‌آورد (تصویر ۲). با وجود آن‌که این لوح در نگاه نخست می‌تواند به‌عنوان بازتاب یک نظام

خراج‌گیری متمرکز تفسیر شود، بررسی دقیق ساختار درونی آن نشان می‌دهد که با الگویی پیچیده‌تر از سازمان اقتصادی روبه‌رو هستیم؛ الگویی که در آن، تمرکز ثبت و تجمیع، لزوماً معادل تمرکز نهادی یا دولتی نیست. این متن، نه تنها فهرستی از نام‌ها و مقادیر، بلکه تصویری عملی از چگونگی تنظیم و تثبیت روابط اقتصادی میان واحدهای مستقل در چارچوب یک شبکهٔ اداری مشترک ارائه می‌دهد. لوح با نشانهٔ M157، (□) آغاز می‌شود؛ علامتی که در متون هم‌دوره اغلب نقش یک نشانگر نهادی یا کانون سازمان‌دهنده را ایفا می‌کند (Palarde, 2022). در این متن، M157 را می‌توان به‌عنوان یک واحد دریافت یا مدیریت پرداخت‌ها در نظر گرفت؛ واحدی که به مثابه یک گره اصلی در شبکهٔ اقتصادی شوش عمل می‌کرد، نه لزوماً به‌عنوان یک نهاد دولتی (Baghizadeh & Yousefi, 2024). ثبت این نشانه در آغاز سند، جایگاه محوری این واحد را در سامان‌دهی جریان‌های پرداختی نشان می‌دهد و حاکی از آن است که کنش‌های اقتصادی پراکنده، در نقطه‌ای قابل‌شناسایی و قابل‌حسابرسی متمرکز می‌شده‌اند. ساختار لوح برپایهٔ ثبت‌های فردمحور تنظیم شده است. مدخل دوم با یک زنجیرهٔ اسمی بلند (M305 M388 M218 M259~2 M371 M033 M066)، () آغاز می‌شود که در نظام نگارشی آغازیلامی با احتمال زیاد به نام یک فرد یا واحد اجتماعی مشخص اشاره دارد. پس از این زنجیره، نشانهٔ M346 (⊕) میش ماده به‌همراه عدد ۳(N01) آمده است که نشان‌دهندهٔ تحویل سه رأس میش ماده به واحد مرکزی مشخص شده با M157 است. مدخل سوم با ترکیب زنجیرهٔ اسمی (M103~3 M371 M386~a M338~a)، () آغاز می‌شود که نمایانگر نام یک فرد جدید است. پس از این نام، نشانهٔ M346، علامت تخصصی برای میش ماده به‌همراه عدد ۲(N01) آمده که بیانگر تحویل دو رأس میش است که در ابتدای سند با M157 مشخص شده است. این ثبت مستقل نشان می‌دهد که هر پرداخت خراج، حتی اگر از افراد متفاوت باشد، به‌طور جداگانه و با ذکر هویت دقیق پرداخت‌کننده و مقدار کالای تحویلی ضبط می‌شده تا امکان رهگیری و حسابرسی کامل در چارچوب نظام خراج‌گیری شوش فراهم باشد. مدخل چهارم با ترکیب زنجیرهٔ اسمی (M145~d M103~3 M145~a M097~h M004 M218)، ()

پس از آن، نشانه M346 علامت تخصصی برای میش (N01) ۲ آمده که بیانگر تحویل دو رأس میش ماده به نهاد (M157) است. ضبط دقیق این اطلاعات، بیانگر تضمین شفافیت در نظام خراج‌گیری است. مدخل پنجم با زنجیره اسمی (M096 M066 M146 M103~3 M009)، ()  آغاز می‌شود که معرف یک فرد یا خانوار مستقل در بافت اجتماعی شوش است. پس از آن، نشانه M346 و عدد (N01) ۲ ثبت شده است. مدخل ششم با ترکیب اسمی (M320 M048~c M387 M103~3)، ()  آغاز می‌شود که احتمالاً به یک شخص به فهرست پرداخت‌کنندگان اشاره دارد. این فرد یا واحد نیز دو رأس میش تحویل داده است. مدخل هفتم با نشانه واحد M209~d، ()  شروع می‌شود و سپس M346 همراه با یک (N01) آمده که بیانگر تحویل یک رأس میش است. مدخل هشتم با ترکیب زنجیره اسمی (M038~e M0218#? M124M325~e #?)، ()  آغاز می‌شود که نام یک شخص یا واحد خانوار در سیستم آغازایلامی است؛ سپس نشانه M346 و یک (N01) آمده که نشان‌دهنده تحویل یک رأس میش ماده به نهاد مرکزی (M157) است. این تنوع در هویت پرداخت‌کنندگان و مقیاس پرداخت‌ها نشان می‌دهد که با مجموعه‌ای از واحدهای مستقل روبه‌رو هستیم که در چارچوب یک منطق مشترک پرداخت، به یک گره شبکه‌ای خاص متصل شده‌اند. هیچ نشانه‌ای از تجمع پیشینی یا ادغام پرداخت‌ها در سطح محلی دیده نمی‌شود؛ بلکه هر پرداخت به‌طور مستقل ثبت شده و سپس در سطح لوح کلیت می‌یابد. این ویژگی، با الگوی اقتصاد ماژولار سازگار است که در آن، واحدها استقلال عملی دارند، اما در مقاطع خاص به شبکه‌ای فراگیرتر متصل می‌شوند. پشت لوح، با نشانه M346 و ترکیب عددی (N14) ۱ و (N01) ۳ به مجموع نهایی ۱۳ رأس میش اشاره می‌کند. این جمع‌بندی، نقش یک تسویه حساب نهایی را ایفا می‌کند و نشان می‌دهد که هدف متن، نه اعمال فشار برای اخذ پرداخت، بلکه تثبیت و مستندسازی نتیجه یک فرآیند چند کنشگره بوده است. هم‌خوانی دقیق میان داده‌های روی و پشت لوح، حاکی از وجود یک سازوکار حسابداری منسجم است؛ اما این انسجام را می‌توان محصول نیازهای تنظیم شبکه‌ای دانست، نه الزاماً پیامد وجود یک دستگاه دولتی متمرکز. در ردیف پایانی پشت

لوح، ترکیب M001~e M131 () ثبت شده است که احتمالاً به نشانهٔ کاتب، مهر بایگانی یا وضعیت ثبت نهایی سند اشاره دارد. درج چنین نشانه‌ای، مؤید رسمیت فرآیند ثبت است؛ اما این رسمیت را می‌توان در چارچوب یک بوروکراسی سیال و موقعیتی تفسیر کرد؛ بوروکراسی که برای تثبیت روابط، تضمین حافظهٔ نهادی، و امکان بازبینی تعاملات اقتصادی شکل گرفته است. در مجموع، این گل‌نشته نمونه‌ای روشن از پرداخت خراج در قالب یک اقتصاد شبکه‌ای است؛ اقتصادی که در آن پرداخت‌ها نه الزاماً مالیات دولتی، بلکه اشکالی از مشارکت، تعهد شبکه‌ای یا تنظیم دسترسی به کانون‌های اقتصادی بوده‌اند.



تصویر ۲: گل‌نشتهٔ MDP 06: 353: سامان‌دهی پرداخت‌های دامی از طریق تمرکز موقعیتی شبکه (عکس

برگرفته از: <https://cdli.mpiwg-berlin.mpg.de>).

مقایسهٔ دو گل‌نشتهٔ MDP 26: 118 و MDP 06: 353 نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در نوع کالای پرداختی، محصولات کشاورزی در برابر دام زنده، هر دو متن از منطبق ثبت و حسابداری مشترکی پیروی می‌کنند که با الگوی اقتصاد سیال و ماژولار شوش آغازیلامی

همخوانی دارد. در هر دو لوح، پرداخت‌ها به صورت خانوارهای بزرگ در خراج کشاورزی و فردبه‌فرد و به صورت خُرد در متن خراج دام زنده و براساس واحدهای اجتماعی متمایز ثبت شده‌اند و این خود نشان می‌دهد که کنش اقتصادی در سطح ماژول‌های مستقل سامان می‌یافته است. تفاوت اصلی آنجاست که در MDP 26: 118، ماهیت فصلی و ذخیره‌پذیر محصولات کشاورزی، به ثبت‌های حجمی پیچیده‌تر و محاسبات چندسطحی منجر شده و تأکید متن بر توازن حسابداری و تسویه نهایی است؛ در حالی که در MDP 06: 353، به دلیل ماهیت غیرقابل ذخیره طولانی مدت دام زنده، ثبت‌ها ساده‌تر، اما به مراتب شخص محورترند و هر پرداخت دامی به صورت یک کنش مستقل و غیرقابل ادغام اولیه ضبط شده است؛ با این حال، هر دو متن در نهایت به یک جمع‌بندی نهایی می‌رسند که نه نشانه تمرکز نهادی، بلکه گواهی بر ضرورت تسویه و تثبیت تعهدات در سطح شبکه است؛ بدین ترتیب، تفاوت‌های کشاورزی و دامی نه به دو منطق اقتصادی متفاوت، بلکه به دو شیوه عملیاتی درون یک نظام مشترک اشاره دارند؛ نظامی که در آن، انواع مختلف مازاد، چه غله‌ای و چه دامی، از طریق سازوکارهای ثبت موقعیتی، به طور موقت حول گره‌های مرکزی گرد می‌آیند تا استمرار همکاری، دسترسی متقابل و انسجام شبکه‌ای تضمین شود. این هم‌پوشانی ساختاری میان پرداخت‌های کشاورزی و دامی نشان می‌دهد که تفاوت‌های کالایی در متون آغازایلامی را باید نه به مثابه شواهدی از سطوح متفاوت کنترل نهادی، بلکه به عنوان تنوع‌های عملیاتی درون یک منطق مشترک اقتصاد سیال و شبکه‌ای تلقی کرد؛ نتیجه‌ای که در بخش پایانی این جستار مبنای بازتفسیر جایگاه شوش به عنوان یک گره تنظیم‌کننده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

این جستار با بازاندیشی انتقادی در خوانش‌های دولت‌محور از ساختار اقتصادی شوش در دوره آغازایلامی، نشان داد که شواهد موجود، اعم از داده‌های اپیگرافیک، الگوهای حسابداری ضرورتاً مؤید وجود یک نظام اقتصادی متمرکز با ویژگی‌های دولت‌شهر کلاسیک نیستند. در برابر این تفسیر سنتی، این پژوهش چارچوب تحلیلی جایگزینی را پیشنهاد کرد که اقتصاد شوش را نه به عنوان بازتاب یک دستگاه نهادی فراگیر، بلکه به مثابه پیکربندی سیال، شبکه‌ای و ماژولار فهم می‌کند؛ پیکربندی که در آن کنش‌های اقتصادی مستقل، در مقاطع خاص و از

طریق سازوکارهای ثبت و تسویه، حول گره‌هایی مرکزی، اما غیرهمگن همگرا می‌شوند. در بخش نظری، با اتکا به مفهوم «درهم‌تنیدگی» اقتصادی نزد پولانی و تفکیک میان بازار نهادمند و بازار موقعیتی، نشان‌داده شد که نبود شواهدی از بازارهای دائمی یا زیرساخت‌های نهادی پایدار، لزوماً به معنای فقدان منطق مبادله یا تنظیم اقتصادی نیست. برعکس، مفهوم بازار موقعیتی امکان فهم الگوهایی از تعامل اقتصادی را فراهم می‌آورد که در آن‌ها، مبادله و توزیع در قالب رخدادهای موقتی و وابسته به هم زمانی جریان‌ها شکل می‌گیرد. این دیدگاه، زمینهٔ نظری لازم برای بازتفسیر داده‌های آغازیلامی را فراهم می‌کند؛ داده‌هایی که پیش‌تر صرفاً از دریچهٔ تمرکز نهادی و اقتدار سیاسی خوانده شده بودند.

تحلیل تفصیلی دو گل‌نشتهٔ MDP 26: 118 و MDP 06: 353 نقش محوری متون حسابداری را در این بازخوانی نشان‌داد. بازنویسی دقیق این متون و بررسی ساختار درونی آن‌ها آشکار ساخت که ثبت پرداخت‌ها به صورت خانوار و فردبه‌فرد، ماژولار و مبتنی بر تسویه‌های نهایی انجام می‌شود؛ در متن اول، پیچیدگی محاسباتی ناشی از ماهیت ذخیره‌پذیر و فصلی محصولات کشاورزی به ثبت‌های چندسطحی و توازن‌های دقیق حسابداری انجامیده است؛ حال آن‌که در متن دوم، ماهیت دام زنده موجب ثبت‌های ساده‌تر، اما شخص‌محورتر شده است؛ با این‌همه، هر دو متن از منطق مشترکی پیروی می‌کنند که در آن، تمرکز ثبت به منزلهٔ تمرکز قدرت نهادی نیست، بلکه ابزاری برای تثبیت تعهدات، حافظهٔ اقتصادی و استمرار تعاملات شبکه‌ای به‌شمار می‌آید. مقایسهٔ تطبیقی این دو مورد نشان‌داد که تمایزهای کالایی (کشاورزی در برابر دامی) به دو نظام اقتصادی مجزا دلالت ندارند، بلکه تفاوت‌هایی عملیاتی درون یک ساختار واحد را بازتاب می‌دهند. چنین ساختاری به واحدهای اقتصادی اجازه می‌داده است تا استقلال نسبی خود را حفظ کنند، درحالی‌که هم‌چنان از طریق گره‌های مرکزی، مانند واحدهای مشخص‌شده با نشانه‌هایی چون M157، به شبکه‌ای گسترده‌تر متصل باشند. این الگو، به‌ویژه با جوامعی سازگار است که در آن‌ها تحرک، تنوع معیشتی و فقدان تمرکز مکانی پایدار، نیازمند سازوکارهای هماهنگی منعطف، اما دقیق بوده است؛ بر این اساس، مدل «اقتصاد سیال و ماژولار» که در این پژوهش طرح شد، شوش آغازیلامی را نه به‌عنوان مرکز یک قلمرو دولت محور، بلکه به مثابه یکی از گره‌های اصلی در شبکه‌ای چند مرکزی از جریان‌های انسانی، کالایی و اطلاعاتی بازمی‌شناساند. تمرکز مشاهده شده در داده‌ها، تمرکزی

کارکردی و مقطعی است که از دل نیاز به تنظیم، تسویه و مستندسازی تعاملات برمی‌خیزد، نه از اعمال اقتدار سیاسی متمرکز. در این معنا، شوش بیش از آن که «مرکز فرمان‌دهی» باشد، «محل هم‌گذاری و هم‌زمانی» جریان‌هاست؛ درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که خوانش دولت‌محور از داده‌های آغازایلامی، بیش از آن که از خود شواهد ناشی شده باشد، حاصل فرافکنی الگوهای تاریخی متأخر بر جوامعی پیچیده، اما متفاوت است. اتخاذ رویکردی شبکه‌ای و مبتنی بر اقتصاد سیال، نه تنها امکان تفسیر منسجم‌تر داده‌های نوشتاری و باستان‌شناختی شوش را فراهم می‌آورد، بلکه افق‌های تازه‌ای برای مطالعه شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی پیچیده در جوامع پیش‌حکومتی می‌گشاید. بدین‌سان، شوش آغازایلامی را می‌توان به درستی به‌عنوان آزمایشگاهی تاریخی در نظر گرفت که در آن، اشکال بدیل سازمان اقتصادی پیش از تبلور حکومت‌های متمرکز به‌روشنی قابل مشاهده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس نشریه صمیمانه قدردانی می‌کنند که با بررسی دقیق، نقدهای سنجیده و ارائه پیشنهادها علمی سودمند، به بهبود ساختار و غنای محتوایی این مقاله کمک شایانی کردند. مسئولیت هرگونه نقص، کاستی یا برداشت نادرست احتمالی در متن، صرفاً برعهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که در ارتباط با موضوع پژوهش، داده‌های مورد استفاده و نتایج ارائه شده در این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافع آشکار یا پنهانی وجود ندارد. کلیه مراحل پژوهش، از گردآوری و تحلیل داده‌ها تا تدوین و نگارش نهایی متن، به‌صورت مستقل و بدون تأثیرپذیری از منافع فردی، نهادی یا مالی انجام شده است. بدیهی است در صورت بروز هرگونه رابطه یا وابستگی که بتواند بر تفسیر یا نتایج پژوهش اثرگذار باشد، نویسندگان ملزم به اعلام شفاف آن خواهند بود.

منابع

- اعتمادی‌فر، دنیا، (۱۴۰۴). «ساختار نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شوش در نیمهٔ دوم هزارهٔ چهارم: پژوهشی بر پایهٔ گل‌نشته‌های آغازیلامی». رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی: روح‌اله یوسفی‌زشک (منتشر نشده).
- افشاری، حسن، (۱۳۹۸). «بررسی تحلیلی اندیشه‌نگاره‌های اسمی در خط آغازیلامی». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- یزدانی، سحر، و یوسفی‌زشک، روح‌اله، (۱۳۹۹). «خراج یا مالیات؛ شواهدی جدید از ساختار اقتصاد سیاسی ایران در دورهٔ آغازیلامی بر اساس بازخوانی گل‌نشتهٔ آغازیلامی TY.11 تپه یحیی موجود در موزهٔ ملی ایران». *دوفصلنامهٔ موزهٔ ملی ایران*، (۱): ۹۲-۸۳.
- <https://doi.org/10.6084/m9.figshare.14754147>
- یوسفی‌زشک، روح‌اله، (۱۳۸۹). «پیدا/یش نهادهای پیش‌حکومتی در فلات مرکزی ایران: خان‌سالارهای آغازیلامی در تپه سفالین پیشوا». رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- یوسفی‌زشک، روح‌اله؛ بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ و باقی‌زاده، سعید، (۱۴۰۵). «روستا‌های کوهستانی، بازار محور و اقتصاد سیال: بازخوانی ماهیت اقتصادی دورهٔ آغازیلامی با تکیه بر قیاس مردم‌نگارانه». *مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، (در دست انتشار).

- Adams, R. M., (1966). *The evolution of urban society: Early Mesopotamia and prehispanic Mexico*. Aldine.
- Baghizadeh, S. & Yousefi Zoshk, R., (2024). *Power, identity, and human landscapes of highland–lowland interactions in the Proto-Elamite Period* [Presentation slides]. DFG Priority Programme SPP 2176: The Iranian Highlands: Resilience and Integration of Premodern Societies.
- Baldwin, C. Y. & Clark, K. B., (2000). *The Power of Modularity*. MIT Press.
<https://doi.org/10.7551/mitpress/2366.001.0001>
- Born L., Kelley K., Willis Monroe M. et Sarkar A. (2021) Compositionality of Complex Graphemes in the Undeciphered Proto-Elamite Script using Image and Text Embedding Models, in : C. Zong, F. Xia, W. Li et R. Navigli (éds), *Findings of the Association for Computational Linguistics, ACL-IJCNLP 2021* [réf. du 8 mars 2022]. Disponible sur : <https://aclanthology.org/2021.findings-acl.362/>.
- Callon, M., (1998). *The Laws of the Markets*. Oxford: Blackwell.
- Carter E. (1980) Excavations in Ville Royale I at Susa : the Third Millennium B.C. Occupation, *Cahier de la Délégation Archéologique Française en Iran 11*, 11-134.
- Cuneiform Digital Library Initiative. (n.d.). *CDLI: Cuneiform Digital Library Initiative*. Retrieved from: <https://cdli.mpiwg-berlin.mpg.de>
- Dahl, J. L., (2002). "Proto-Elamite sign frequencies". *Cuneiform Digital Library Bulletin*, (1)
- Dahl J. (2005b) Complex Graphemes in Proto-Elamite. *Cuneiform Digital Library Journal*, 1-15 [réf. du 8 mars 2022]. Disponible sur: <https://cdli-dev.mpiwg-berlin.mpg.de/articles/cdlj/318>.

- Dahl, J. L., (2009). "Early writing in Iran: A reappraisal". *Iran*, 47: 23–31.
<https://doi.org/10.1080/05786967.2009.11864757>
- Dahl, J. L., (2012). "The marks of early writing". *Iran*, 50: 1–11.
<https://doi.org/10.1080/05786967.2012.11834709>
- Dahl, J.L., L.F. Hawkins & K. Kelley (2018). Labor administration in proto-Elamite Iran. In A. Garcia-Ventura (ed.) What's in a name? Terminology related to the Work Force and Job Categories in the Ancient Near East. (Alter Orient und Altes Testament Band 440). 15–44.
- Dahl J., Petrie C. et Potts D.T. (2013) Chronological parameters of the earliest writing system in Iran, in: C. Petrie (éd), *Ancient Iran & its Neighbours. Local Development and Long-Range Interactions in the Fourth Millennium BC*, Oxford, Oxbow Books, 353-378.
- Dalton, G., (1961). *Economic theory and primitive society*. American Anthropologist.
- Damerow, P., (1999). *The origins of writing as a problem of historical epistemology* [Invited lecture]. The Multiple Origins of Writing: Image, Symbol, and Script, University of Pennsylvania, Center for Ancient Studies, Philadelphia, PA, United States.
- Damerow P. (2006) .The origins of writing as a problem of historical epistemology,
Cuneiform Digital Library Journal [réf. du 8 mars 2022]. Disponible sur:
http://cdli.ucla.edu/pubs/cdlj/2006/cdlj2006_001.pdf.0
- De Miroschedji, P., (1981a). "Fouilles du chantier Ville Royale II à Suse (1975–1977) I: Niveaux élamites". *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran*, 12: 6–136.
- De Morgan, J. (1900). *Recherches archéologiques*. Mémoires de la Délégation en Perse I. Paris.
- Dittmann, R., (1986). "Seals, sealings and tablets: Remarks on the changing pattern of administrative control from the late Uruk to the Proto-Elamite period at Susa". In: U. Finkbeiner & W. Röllig (Eds.), *Gamdat Nasr period or regional style?* (pp. 332–366). Ludwig Reichert Verlag.
- Englund, R. K., (1996). "The Proto-Elamite script". In: P. T. Daniels & W. Bright (Eds.), *The world's writing systems* (pp. 160–164). Oxford University Press.
- Englund, R. K., (1998). "Texts from the Late Uruk period". In: P. Attinger & M. Wäfler (Eds.), *Späturuk-Zeit und frühdynastische Zeit* (pp. 15–233). Academic Press.
- Englund, R. K., (2001). "Grain accounting practices in proto-cuneiform Mesopotamia". *Mathematics in the archaeological and historical sciences*: 197-237.
- Englund, R. K., (2004a). "Proto-cuneiform account-books and journals". In: M. Hudson & C. Wunsch (Eds.), *Creating economic order: Record-keeping, standardization and the development of accounting in the Ancient Near East* (pp. 23–46). CDL Press.
- Hann, C. & Hart, K., (2011). *Economic Anthropology: History, Ethnography, Critique*. Cambridge: Polity Press.
- Jacobsen, T., (1984). "Early political development in Mesopotamia". In: J. Renger (Ed.), *Toward an image of Tammuz and other essays on Mesopotamian history and culture* (pp. 132–156). Harvard University Press. https://doi.org/10.1163/9789004384477_009
- Kelley, K., (2018). *Gender, Age, and Labour Organization in the Earliest Texts from Mesopotamia and Iran (c. 3300-2900 BC)*. Doctoral dissertation, University of Oxford.
- Kelley, K., (2024). "Images hidden in script: The invention of writing in ancient Iran". In: S. Ferrara, M. Cartolano, & L. Ottaviano (Eds.), *Talking images: The interface between drawing and writing* (pp. 71–94). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781032712970>
- Khazanov, A. M., (1994). *Nomads and the outside world* (2nd ed.). University of Wisconsin Press.

- Le Brun, A., (2019). "Susa at the turn of the 4th and 3rd millennia". In: J.-W. Mayer, E. Vila, M. Mashkour, M. Casanova, & R. Vallat (Eds.), *The Iranian Plateau in the Bronze Age: Development of urbanisation, production and trade* (pp. 101–107). Maison de l'Orient et de la Méditerranée. <https://doi.org/10.4000/books.momeditions.8026>
- Nissen, H. J., Damerow, P. & Englund, R. K., (1993). *Archaic bookkeeping: Early writing and techniques of economic administration in the ancient Near East*. University of Chicago Press.
- Paladre, C., (2022). *Les sceaux-cylindres proto-élamites: Productions d'un phénomène revisité*. Unpublished doctoral dissertation, Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne.
- Pittman, H., (1997). *The administrative function of glyptic art in Proto-Elamite Iran: A survey of the evidence*. Res Orientalis.
- Polanyi, K., (1957). *The great transformation: The political and economic origins of our time*. Beacon Press, Original work published 1944.
- Potts D. T., (2016). *The Archaeology of Elam. Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*. 2nd revised edition, Cambridge, Cambridge University Press.
- Powell, W. W., (1990). *Neither Market nor Hierarchy: Network Forms of Organization*. Research in Organizational Behavior.
- Scheil, V., (1900). *Textes élamites-sémitiques (première série)*. Mémoires de la Délégation en Perse, Vol. 2, Paris.
- Scheil, V., (1905). *Documents en écriture proto-élamite* (MDP 6). Leroux.
- Smith, M. E., (2021). *Urban life in the distant past*. Cambridge University Press.
- Steve, M.-J. & Gasche, H., (1971). *L'Acropole de Suse: Nouvelles fouilles* (Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran, Mission de Susiane 46). Paul Geuthner. <https://doi.org/10.1163/9789004659193>
- Wilkinson, T. J., (2000). "Regional approaches to Mesopotamian archaeology: The contribution of archaeological surveys". *Journal of Archaeological Research*, 8(3): 219-267. <https://doi.org/10.1023/A:1009487620969>
- Yousefi Zoshk, R., Afshari Salaki, H. & Etamadifar, D., (2024). "The agricultural system during the Proto-Elamite period at Susa: An analysis of Proto-Elamite tablets housed in the National Museum of Iran (MDP 26)". *Journal of the National Museum of Iran*, 3(1): e721176. <https://doi.org/10.22034/jinm.2025.2053185.1100>
- Yousefi Zoshk, R., Afshari Salaki, H. & Etamadifar, D., (2025). "Bridging the Gap: Godin Tepe and the Origins of Proto-Elamite Communities". *Journal of Archaeological Studies*, 17(2): 97-125. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2025.392835.143343>